

ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۶

تاریخ تأیید: ۸۷/۶/۲۱

اسماعیل ابونوری*
افسانه قاسمی تازه‌آبادی**

چکیده

همواره اقتصاددانان از نظر اهداف سیاست‌های کلان اقتصادی بر اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها، توزیع درآمد و رشد پایدار اقتصادی تأکید دارند. از این میان توزیع درآمد در جایگاه یکی از هدف‌های مهم سیاست کلان مورد توجه بوده است. در این پژوهش کوشیده شده تا به نقش و اهمیت تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در استان‌های گوناگون کشور پرداخته شود. برای ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد از داده‌های پانلی (ترکیبی) بین‌استانی استفاده شده است. برای تشخیص نوع مدل، آزمون F لیمر اجرا شده است. از این میان ارزش افزوده قرض الحسنه در استان تهران با دیگر استان‌ها تفاوت فراوانی دارد، از دو مدل برای برآورد استفاده شده است: برآورد نخست شامل استان تهران و برآورد دیگر بدون استان تهران. نتیجه‌های حاصل، حاکی از آن است که فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه، با فرض ثابت ماندن دیگر عامل‌ها، در اکثر استان‌های کشور اثر کاهشی بر نابرابری توزیع درآمد داشته است. افزایش عملکرد قرض الحسنه در ۱۹ استان بر نابرابری اثر کاهشی دارد که در ۱۵ از نظر آماری معنادار است. در برابر، در ۸ استان اثر افزایشی دارد که این اثر فقط در استان‌های اصفهان، زنجان، گلستان، گیلان و مرکزی معنادار است. بررسی علل اثر افزایشی در استان‌های پیش‌گفته نیازمند تحقیق‌های مستقل است.

واژگان کلیدی: قرض الحسنه، توزیع درآمد، داده‌های پانل، استان‌های ایران.

طبقه‌بندی JEL: D31, C23, C1

۱۳۹

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هفتم / شماره ۲۸ / زمستان ۱۳۸۶

Email: abounoories@yahoo.com

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران.

مقدمه

موضوع توزیع درآمد در ادبیات اقتصادی کشور همواره مورد توجه بوده است. اما به‌رغم گستردگی قابل توجه، از عمق لازم محروم مانده است. بخش اقتصاد سیاسی این موضوع گاه چنان سطحی مانده است که فاصله آن تا شعار غیرقابل تشخیص شده است. در گذشته موضوع تا جایی به شعار نزدیک شد که کاهش توزیع درآمد به آرمان‌خواهی تبدیل و برابری‌خواهی نیز از سوی مخالفان آن به تقسیم تساوی فقر لقب گرفت. برای آنکه بتوان از راه پدیده‌ها و تجربه‌های تاریخی به نتیجه‌گیری‌های علمی دست یافت و از آن در تجربه توسعه اقتصادی کشور بهره جست، راهی جز بهره‌مندی از پژوهش‌های اقتصادی، دستیابی به شکل خاص تفسیر و اجرای آنها در شرایط کشور، به‌دور ماندن از تعصب‌های فکری مکتب‌های اقتصادی و سیاسی و اندازه‌گیری با احتیاط اثرهای خوب و بد سیاست‌ها وجود ندارد.

۱۴۰

فاصله‌های فراوان ثروتمند و فقیر در کشورهای در حال توسعه، محیط مساعدی برای رشد اختلاف‌ها و ناباوری نسبت به کارآمدی برنامه‌ریزی‌ها و اجرای هدفمند آنها پدید می‌آورد. تشدید این فاصله‌ها می‌تواند به تنش‌های شدید اجتماعی و در نهایت سیاسی بینجامد. بنابراین، برنامه‌های کاهش شکاف درآمدی از حساسیت فراوانی برخوردار بوده و هر پدیده‌ای که باعث جلوگیری از افزایش یا کاهش هر چند ناچیز آن شود، از اهمیت قابل توجه برخوردار است. توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های کم‌درآمد جامعه، ترکیب مصرف تقاضای جامعه را به سمت کالاهای ضرور تغییر می‌دهد و بر اهمیت و سهم آنها از الگوهای مصرف می‌افزاید. واقعیت جهان نشان داده است که فقر و نابرابری، به‌رغم رونق اقتصادی حاصل در کشورهای دارای نظام سرمایه‌داری، کاهش قابل توجهی نیافته است. توزیع درآمد در نظام سرمایه‌ای از یک سو به میزان ثروت موجود در نزد افراد (سرمایه انسانی و فیزیکی) و از سوی دیگر به قیمت بازاری این موهبت بستگی دارد.

وجود بهره در نظام ربوی یکی از علت‌های پیدایش نابرابری است. گرچه سود فعالیت اقتصادی به‌صورت تفاضل درآمد و هزینه، متغیر بوده و در بازار رقابت کامل به صفر میل می‌کند، اما بهره، نرخ ثابت داشته و جزیی از هزینه تمام‌شده شمرده شده و به صاحب سرمایه پرداخت می‌شود. اگر سود منفی باشد، تولیدی صورت نخواهد گرفت و کارگر

اخراج می‌شود، بهره سرمایه به جای خویش باقی است. ربا دهنده بدون توجه به سود و زیان، بهره خویش را مطالبه می‌کند. کرویتس (۱۹۹۷) نقش بهره را در پدید آوردن نابرابری توضیح داده است. در بازار کالاها و خدمات، هر کالا در معرض اتلاف، کهنگی و ناکاراشدن از جهت فن‌آوری قرار دارد، پس احتکار آن مقدور نیست در حالی که صاحب سرمایه مالی، از این خطر مصون است؛ می‌توان پول را به راحتی احتکار کرد و برای کسب بیشترین سود صبر کرد. به همین سبب، بازار سرمایه در هیچ زمانی اشباع نمی‌شود و در آن کمبود عرضه مصنوعی پول وجود خواهد داشت. یکی از علل مثبت بودن نرخ بهره در دنیا در همین نکته نهفته است. بهره مرکب پذیرفته شده در نظام سرمایه‌ای سبب می‌شود که سهم صاحبان سرمایه از تولید رو به افزایش رود. اگر نرخ بهره مرکب ۵ درصد باشد، با فرض ثابت ماندن دیگر عامل‌ها، در ۱۴ سال اصل سرمایه دو برابر می‌شود. نرخ بهره ۱۲ درصدی پس از ۵۰ سال سرمایه اولیه را ۲۹۰ برابر می‌کند! اگر تولید اجتماعی با نسبتی ثابت بین کار و سرمایه تقسیم شود و قیمت سرمایه یعنی نرخ بهره با رشد اقتصاد برابر باشد، توزیع به نفع سرمایه آسیب نخواهد یافت (گرچه عدم نگرانی ناشی از عدم خطرپذیری به جای خویش باقی است). اگر تراکم سرمایه سریع‌تر از رشد اقتصادی شود، نسبت تقسیم درآمد بین کار و سرمایه به نفع سرمایه‌دار تغییر خواهد کرد (کرویتس، ۱۹۹۷). کرویتس از وضع اقتصادی آلمان در قرن ۱۲ تا ۱۴ میلادی یاد می‌کند که امکان احتکار پول رایج به علت سرعت جابجایی وجود نداشت، و در زمان تعویض در دست هر کسی که بود مالیات سنگین از آن گرفته می‌شد. وی نشان داد که چگونه جریان سریع پول و تمایل به دادن قرض الحسنه، شکوفایی اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را در مناطق تحت آن روش به دنبال داشت. براساس مفهوم‌های پیش‌گفته می‌توان فرضیه «افزایش ارزش افزوده (گسترش و عملکرد) قرض الحسنه در ایران باعث کاهش (جلوگیری از افزایش) نابرابری در اقتصاد می‌شود» را مطرح ساخت. برای آزمون این فرضیه از اطلاعات ترکیبی (مقطعی - سری زمانی) میان استانی در ایران استفاده شده است.

قرض در واژه‌نامه یعنی قطع کردن و بریدن است. از این‌رو در زبان عربی به قیچی که برنده است، مقرض گفته‌اند (سعدی، ۱۴۰۸؛ معین، ۱۳۶۰؛ سیاح، ۱۳۶۵).

مطابق ماده ۶۴۸ قانون مدنی، قرض عقدی است که به سبب آن یکی از طرفین مقدار

معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد کند و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم الرد را بدهد (امامی، ۱۳۵۵). معادل عربی ترکیب قرض الحسنه، قرض الحسن است. چنان‌که برخی از کتاب‌های لغت نیز به آن تصریح کرده‌اند (جر، ۱۳۷۶) و مقصود از قرض الحسن آن است که از مال حلال بوده و منت، اذیت و ربا را به دنبال نداشته باشد (مصری، ۱۹۴۸). اما مقصود از قرض الحسنه دادن، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرف خدا داده شود (نهران) و می‌توان گفت که همه اعمال نیک اعم از بدنی و مالی، قرض الحسنه‌ای هستند که در راه خدا داده می‌شود و در برابر، پاداش وجود خواهد داشت (قریشی، ۱۳۵۳).

از این‌رو در این نوشتار مقصود از قرض الحسنه، قرض واقعی شرعی و غیرربوی است که گاهی به صورت مطلق - قرض - آمده و در برخی موارد وصف «الحسنه» به آن اضافه شده است و هر گاه مقصود غیر آن باشد به صورت روشن، مقید خواهد شد؛ مانند قرض ربوی. البته باید توجه داشت که نگاه به قرض الحسنه به عنوان رفتار اقتصادی، بر خواسته از انگیزه‌های ایمان، ایثار، گذشت و نوع‌دوستی است. بنابراین هدف اصلی مقاله، ارزیابی رابطه بین توزیع درآمد و ارزش افزوده قرض الحسنه در ایران به تفکیک استان‌های کشور است.

مروری بر ادبیات موضوع تحقیق

عدالت اساس ادیان الهی، به‌ویژه اسلام و شیعه تلقی می‌شود، این مکتب سرچشمه مشکل‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را توزیع ناعادلانه معرفی می‌کند؛ یعنی عدم توزیع برابر بین برابرها. البته تشخیص انسان‌های برابر در جهان پیچیده، کاری ساده نیست.

ظهور و بروز هر رفتار، از جمله رفتارهای اقتصادی، از انگیزه‌های درونی انسان‌ها ناشی است و جایگاه هر رفتار در مقایسه با دیگر رفتارها آشکار می‌شود. از این‌رو برای تبیین قرض الحسنه، می‌توان رفتارهای اقتصادی مورد نظر را از دیدگاه عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان و جوه به صورت مستقل بررسی کرد.

أ. از دید عرضه‌کنندگان وجوه و سرمایه، رفتارهای اقتصادی را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد: نخست، رفتارهایی که با انگیزه سود مادی ابراز می‌شود، شامل بیع (خرید و فروش)، اجاره، مشارکت و مضاربه. گروه دیگر، رفتارهایی که ایثار (و سود معنوی) عامل

اصلی تحقق آن است، مانند انفاق، صدقه، وقف، هبه، عاریه و قرض الحسنه.

قرض الحسنه با رفتارهای اقتصادی نوع نخست، از دید عرضه‌کننده، تفاوت جوهری دارد. چون در بیع، مالی با مال دیگر مبادله می‌شود و هر طرف می‌کوشد تا مالی را که به دست می‌آورد - دست‌کم در نظر و مطلوبیت خاص خودش - از آنچه از دست می‌دهد با ارزش‌تر باشد. قرض الحسنه با مشارکت، مضاربه و مانند آنها نیز فرق جوهری و ذاتی دارد. انگیزه اصلی در همه این قراردادها بهره‌مندی از سود بیشتر (دست‌کم در نظر طرفین قرارداد) است. اما در قرض الحسنه هیچ شائبه‌ای برای برخورداری از سود (مادی) وجود ندارد. در مقایسه قرض الحسنه با قراردادهای نوع دوم می‌توان گفت که عرضه‌کننده صدقه و انفاق نه تنها منتظر برخورداری از سود مادی نیست، بلکه از اصل نیز، در راه ارزش‌ها و باورهای خویش صرف‌نظر می‌کند. این رفتار باعث رفع نیازهای بخش مهمی از نیازمندان جامعه می‌شود. میزان تحقق این رفتار تابعی از حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در آن جامعه است. عاریه نیز رفتاری شبیه قرض الحسنه است که «به موجب آن یکی از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال به صورت رایگان منتفع شود» (ق.م: ماده ۶۳۵). اما تملیکی بودن قرض الحسنه آن را به کلی از مفهوم عاریه دور ساخته است. چون در قرض الحسنه ملکیت منتقل می‌شود و مقترض باید مثل یا قیمت آن را در پایان وقت مقرر بازگرداند. در عاریه مال به عاریه‌گیرنده تسلیم می‌شود تا از آن منتفع شود و در وقت مقرر عین آن را پس دهد.

ب. از دیدگاه تقاضاکنندگان وجوه، می‌توان آنها را در سه گروه کلی خلاصه کرد: نخست، کسانی که افزون بر اصل پول، توانایی بازپرداخت سهمی از سود حاصله را نیز دارند. گروه دوم، کسانی که فقط توانایی بازپرداخت اصل پول را دارند. گروه سوم، کسانی که نه تنها توانایی بازپرداخت سود را ندارند، بلکه از توانایی کافی از پرداخت اصل پول نیز برخوردار نیستند.

در نظام اقتصادی اسلام با شناخت وجود این سه گروه، رفتارهای مناسب در تعامل با آنها اندیشیده شده است. گروه نخست برای سرمایه‌گذاری‌های متوسط و بزرگ به سوی مشارکت، مضاربه و مانند آنها تشویق شده‌اند. گروه دوم که اغلب برای رفع نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری‌های کوچک تولیدی و خدماتی به این تسهیلات نیازمندند، به

سوی قرض‌الحسنه هدایت شده‌اند. برای مقاضیان گروه سوم، انفاق‌های واجب (زکات) و مستحب (صدقه‌های مستحب) تشریح و تأکید شده است.

بنابراین تفاوت قرض‌الحسنه با رفتارهای گروه نخست (مشارکت، مضاربه و ...) از این دید نیز تفاوتی جوهری و ذاتی است. در واقع قرض‌الحسنه به رفع نیازهای تسهیلاتی گروه نخست ناظر نیست و با شفافیت اطلاعات و تقید هر چه بیشتر متقاضیان به احکام اسلامی، به‌طور عملی این گروه در زمره متقاضیان قرض‌الحسنه قرار نخواهند گرفت و در نتیجه بخش عظیمی از متقاضیان موجود قرض‌الحسنه کاسته خواهد شد.

با تقویت باورها و شفاف‌شدن اطلاعات و حتی توجه بیشتر به کرامت‌های انسانی می‌توان، متقاضیان واقعی انواع تسهیلات را از هم بازشناخت و به سوی مشارکت، قرض‌الحسنه یا انفاق هدایت کرد.

عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان تسهیلات به‌صورت قرض‌الحسنه بیشتر از صدقه و انفاق هستند. عرضه‌کننده می‌داند، مثل آنچه را که وام داده به وی برخواهد گشت و نیاز تقاضاکننده نیز بدون احساس بار ترخم رفع می‌شود.

صندوق قرض‌الحسنه نهاد فرهنگی است که براساس مساعدت و کمک به نیازمندان شکل می‌گیرد و نهاد غیرانتفاعی به معنای واقعی است که بنیان‌گذاران آن عده‌ای از افراد خیر هستند. فعالیت در هیئت امنای صندوق‌ها افتخاری بوده و اعضای آن حق برداشت یا تخصیص هیچ‌گونه سودی را ندارند. در برابر، بانک بنگاه اقتصادی است که براساس چرخه اقتصادی و اصل سوددهی اداره می‌شود. بانک‌ها به سپرده‌ها سود داده و در برابر از گیرندگان اعتبار (وام) افزون بر کارمزد، سود یا بهره دریافت می‌کنند بنابراین اصول اقتصادی را در هر حال رعایت می‌کنند.

قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است که می‌تواند سهم مؤثری در تامین هدف‌های اقتصادی کشورهای اسلامی داشته باشد. چون در جامعه اسلامی وام‌دهنده قسمتی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهد، انتظار می‌رود که استمرار و گسترش آن باعث شود که در هر مقطع زمانی سهمی از درآمد افراد کوشا با رضایت جهت یاری در اختیار شهروندان نیازمندان قرار گیرد. قرض‌الحسنه نوعی بازتوزیع اختیاری درآمد است. توزیع مناسب درآمدها باعث ثبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و زمینه‌ساز

بستری مناسب برای برنامه‌ریزی باثبات و هدفمند اقتصادی است. در این جهت، اثر نهاد قرض الحسنه بر توزیع درآمد شامل ویژگی‌های ذیل است (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸):

ا. قرض الحسنه برخلاف مالیات‌ها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی‌شود. بنابراین، تخصیص بهینه آنها در جهت عدالت اقتصادی- اجتماعی به وجود برنامه‌های مناسب در چارچوب بودجه‌های عمومی منوط نیست؛

ب. قرض الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام، هماهنگی دارد. در این جهت با احترام کامل به مالکیت خصوصی، اعطاکننده وجوه خود را با آزادی و انتخاب در اختیار دیگران قرار می‌دهد و از این عمل کسب مطلوبیت می‌کند؛

ج. در اثر اختصاص مبلغ به خرید کالاهای ضرور و اساسی زمینه رشد تولید کالاهای ضرور و اشتغال فراهم می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که قرض الحسنه، الگوی تولید را متناسب با نیاز واقعی جامعه‌های توسعه‌نیافته جهت دهد؛

د. قرض الحسنه شاخص‌های توزیع مطلوب را داراست. چون: ۱. انگیزه‌های کوشش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی‌برد؛ ۲. قرض الحسنه پس از اعمال سازوکار قیمت‌ها در محدوده تولیدهای مباح مطرح می‌شود، بنابراین مانع عملکرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی‌شود؛ ۳. چون رفع نیاز یکی از ارکان شکل‌گیری قرض الحسنه است، بنابراین، در کاهش نگرانی و افزایش امید به زندگی اثربخش بوده و کوشش بیشتر را در زندگی روزانه جامعه باعث می‌شود.

ه. به جهت سازوکار بازار، قرض الحسنه تولیدی شرایطی را پدید می‌آورد که سهم بیشتری نصیب افراد کوشا اما بدون سرمایه از ارزش تولید شود، در نتیجه، تزریق درآمد در دهک‌های پایین‌تر فراهم می‌شود. اثر قرض الحسنه بر توزیع درآمد را در دو نگرش می‌توان توضیح داد:

در نگرش خرد، اگر فرد در آغاز دوره نخست برای رفع نیاز ضرور خود وام نگیرد، باید اندک اندک پس‌انداز کند و در انتهای این دوره نیازش را رفع کند. پس در واقع، بدون قرض، به اندازه طول زمان کسب درآمد از امکان مصرفش کاسته می‌شود. اگر قرض بگیرد، می‌تواند از آغاز همان دوره نخست بر درآمد قابل تصرف و در نتیجه مصرف خود بیفزاید. گرچه وی باید با اختصاص تدریجی پس‌انداز، وام را در پایان دوره پرداخت کند. بنابراین،

با نگرش خرد، قرض‌الحسنه زمان برخورداری از درآمد و مصرف در طول دوران زندگی را افزایش می‌دهد.

در نگرش کلان باید به روش قرض توجه کرد، چون صندوق تعاون به‌طور معمول در میان افرادی با سطح درآمدهای به‌طور تقریبی یکسان شکل می‌گیرد، اثر آن افقی است. این نظام سبب می‌شود، درآمدی که در هر دوره به طبقه‌های کم‌درآمد اختصاص می‌یابد، در اثر تبدیل به کالای بادوام، درون همان طبقه جاری شود و به طبقه دیگر منتقل نشود. اما صندوق معاونت قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد اثر عمودی دارد. زیرا، در این نهاد افراد با دهک‌های بالا بخشی از مال خود را جدا کرده و به افراد در دهک‌های پایین اختصاص می‌دهند. با چنین نگرشی می‌توان گفت که در نهاد قرض، چه به‌صورت تعاون و چه در قالب معاونت، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند وقتی در تحقق عدالت اجتماعی اثرهای مثبت خواهد داشت که با کشش‌پذیری عرضه قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، درباره کالاهای ضرور همراه باشد، و گرنه با بالارفتن تقاضا برای این کالاها، سطح قیمت‌ها فزونی یافته و اثرهای توزیعی قرض خنثا می‌شود.

درباره رابطه بین ارزش افزوده قرض‌الحسنه و توزیع درآمد در داخل یا خارج از کشور مقاله‌ای مشاهده نشده است. اما در هر یک از موردهای پیش‌گفته تحقیق‌هایی به‌صورت جداگانه منتشر شده است، که در دو زیربخش جداگانه به آنها اشاره می‌شود.

مروری بر ادبیات موضوع توزیع درآمد

سرال (Saral, 1997) با استفاده از اطلاعات ۴۵ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته به بررسی ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ رشد GDP، بهبود در دوره تجارت (Improvement in Term of Trade)، سطح نرخ واقعی ارز، تغییر در نرخ ارز واقعی، نسبت سرمایه‌گذاری به قیمت‌ها، وضعیت خارجی (External Position)، نرخ سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولتی یا سطح تورم، بی‌ثباتی تورم و تغییر در تورم) با توزیع درآمد پرداخت. نتیجه‌های حاصل از روش حداقل مربعات وزنی (Weighted Least Square) WLS نشان داد که سطح تورم، بی‌ثباتی تورم، تغییر در تورم، مصرف‌های عمومی (در مقایسه با

مصرف‌های خصوصی)، وضعیت خارجی، سطح نرخ ارز واقعی (قیمت‌های نسبی نسبت به ایالات متحده امریکا)، نسبت سرمایه‌گذاری به قیمت‌های مصرف‌کنندگان بر توزیع درآمد معنادار نبوده است. در برابر، نرخ رشد و نرخ سرمایه‌گذاری به کاهش نابرابری انجامیده است.

بیون (Biewen, 2000) با استفاده از اطلاعات مقطعی درآمد مرکز اطلاعات اقتصادی-اجتماعی آلمان (GSOEP)* شاخص‌های گوناگون نابرابری را برای سه زیرمجموعه (Sub-Samples) از جمعیت آلمان برآورده است. زیرمجموعه‌های مورد مطالعه، جمعیت مقیم آلمان غربی (شامل خارجی‌ها نیز است) برای سال‌های ۱۹۸۴ - ۱۹۹۶، جمعیت مقیم آلمان شرقی برای سال‌های ۱۹۹۰ - ۱۹۹۶ و تمام جمعیت آلمان برای سال‌های ۱۹۹۰ - ۱۹۹۶ بوده است. نتیجه‌های تجربی، ثبات نسبی توزیع درآمد آلمان غربی را تایید کرده است. نابرابری در آلمان شرقی پس از ادغام آلمان شرقی و غربی افزایش یافته است. در واقع این افزایش نابرابری به علت بالا بودن، نابرابری در قسمت غربی کشور بوده است. سطح نابرابری آلمان در سال ۱۹۹۶ کمتر از ۱۹۹۰ بوده است.

ابونوری و مک کلاهان (Abounoori and Mac Cloughan, 2000) با استفاده از ریز داده‌های ارائه‌شده از طرف بانک جهانی، نابرابری اقتصادی کشورهای ارمنستان، بلغارستان، استونی، لهستان، گرجستان، لاتیوا، روسیه و اسلواکی را با روش پارامتریکی و ناپارامتریکی برآورد کردند.

بهاتچاریا (Bhatlacharya, 2000) چگونگی اثرگذاری سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد را تجزیه و تحلیل کرده است. وی به این نتیجه رسید که تورم بر توزیع درآمد اثر دارد. کشورهایی که از درآمد مالیات تورمی (Inflation Tax) استفاده می‌کنند، در مقایسه با دیگر کشورها از عرضه‌کنندگان وجوه قابل وام‌دادن می‌کاهند، سطح فعالیت واقعی اقتصاد را در بلندمدت می‌افزایند و از سطح نابرابری درآمدی هم می‌کاهند.

سمیدینگ (Smeeding, 2005) روند نابرابری اقتصادی را در کشورهای صنعتی و عضو OECD مقایسه کرده است. اگرچه افزایش در درآمد کل خانوارهای امریکایی در سال‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۰۲ از دیگر کشورها بالاتر بوده است، اما امریکا بالاترین سطح نابرابری اقتصادی

* German Socio- Economic.

را در بین کشورهای ثروتمند OECD در شروع قرن اخیر داشته است. وی پی برد که، اثر سیاست‌های دولتی و هزینه‌های اجتماعی دولت بر نابرابری در امریکا، کمتر از کشورهای دیگر بوده است و هزینه دستمزد پایین اثر فراوان در توزیع درآمد نهایی داشته است.

البناسی (Albanesi, 2005) با استفاده از شواهد بین کشوری، ارتباط بین تورم و نابرابری را مطالعه کرد. وی با استفاده از یک مدل اقتصاد سیاسی نشان داد که تورم با درجه نابرابری درآمد ارتباط مثبت دارد و به خانوارهای با درآمد پایین آسیب می‌رساند.

ایسلند، کنورسی و اسکویستی (Iceland, Kenworthy and Scopilliti, 2005) به آزمون اثر عملکرد اقتصاد کلان بر فقر در ایالات متحده امریکا پرداختند. برای این منظور از اطلاعات بین ایالتی (Cross - State)، بیکاری، اشتغال، تولید و فقر مطلق (Absolute Poverty) و نسبی (Relative Poverty) در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ استفاده شد. نتیجه‌های پژوهش آنها نشان داد که، اشتغال اثر مهمی در کاهش فقر مطلق و نسبی داشته است. این اثر به علت افزایش ساعت کار و دستمزد خانوارهای کم درآمد بوده است. در برابر، بیکاری اثر قابل توجهی بر فقر داشته است. مانند اشتغال، رشد سرانه تولیدهای ایالتی با افزایش ساعت کار و سطح حداقل دستمزد (Low and Wage Levels)، اثر اندکی بر فقر نسبی داشته است.

فیرریال، لایت و لیت چفیلد (۲۰۰۶) اشاره دارند که ضریب جینی برزیل در سال ۱۹۸۹ به ۰/۶۳ رسید و سپس در سال ۲۰۰۴ به ۰/۵۶ کاهش یافت. این کاهش نابرابری، رتبه برزیل را در نابرابری جهانی از دومین کشور در سال ۱۹۸۹ به دهمین کشور در سال ۲۰۰۴ ارتقا داده است. فقر نیز در ربع قرن گذشته به شکل U واژگون بوده است. فقر از ۰/۳۱ در سال ۱۹۸۱ به ۰/۳۳ در سال ۱۹۹۳ رسید و سپس به ۰/۲۲ در سال ۲۰۰۴ کاهش یافت. آنها با استفاده از تکنیک‌های تجزیه استاندارد (Standard Decomposition) به بررسی افت و خیزهای (Rise and Fall) نابرابری و عامل‌هایی موثر بر توزیع درآمد برزیل در دوره ۱۹۸۱ - ۲۰۰۴ پرداختند. نتیجه‌های پژوهش آنها از آن حاکی است که، افزایش نابرابری در دهه ۱۹۸۰، به علت رشد سریع تورم و بهره‌مندی گروه‌های بالای درآمدی از آموزش و پرورش بوده است. کاهش نابرابری از سال ۱۹۹۳ به علت کاهش تورم بوده است.

مروری بر ادبیات قرض الحسنه

حبیبیان‌نقیبی (۱۳۸۱) به تبیین اجمالی نهاد قرض الحسنه پرداخت و با اشاره به مفهوم و جایگاه قرض الحسنه، اثر آن بر متغیرهای مهم اقتصادی و نقش دولت در این رفتار پسندیده را، در جست‌وجوی بررسی میزان کارایی و قابلیت استفاده از این نهاد در راهبردهای توسعه اقتصادی مطالعه کرد. از این‌رو با مقایسه مفهوم‌های رشد و توسعه و تبیین راهبردهای توسعه اقتصادی، رابطه قرض الحسنه و راهبردهای پیش‌گفته را بررسی کرده و در پایان نشان داده که بین نهاد قرض الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد، به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، هماهنگی و سازگاری ویژه‌ای وجود دارد.

عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) در بررسی جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی ایران نشان دادند، سهم سپرده‌های قرض الحسنه از کل سپرده‌ها از ۲۵ درصد به تدریج کاهش یافته و طی چند سال اخیر در حدود ۱۰ درصد ثابت مانده است؛ علت آن را به‌طور عمده در کاهش ارزش مداوم سپرده‌های بانکی در اثر تورم و تمایل مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جهت کسب سود (حفظ ارزش سپرده) دانسته‌اند. از سویی سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات پرداختی نظام بانکی به‌طور میانگین ۶ درصد بوده است. به‌عبارت روشن‌تر، نظام بانکی کشور طی سال‌های مورد بررسی با احتساب ذخیره‌های قانونی به‌طور میانگین حدود ۶۰ درصد، سپرده‌های قرض الحسنه را صرف پرداخت تسهیلات قرض الحسنه کرده است. یکی دیگر از علل کاهش سهم سپرده‌های قرض الحسنه در نظام بانکی، رونق گرفتن صندوق‌های قرض الحسنه ارزیابی شده است به‌طوری که این صندوق‌ها کامیاب شده‌اند معادل ۶۰ درصد ارزش سپرده‌های قرض الحسنه در نظام بانکی را طی این سال‌ها تجهیز کنند.

جمع‌آوری، سازمان‌دهی و داده‌ها

قرض الحسنه یکی از راه‌های تحقق هدف‌های بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند از راه رفع احتیاج‌های اشخاص حقیقی مانند اشتغال‌زایی برای بیکاران جوانی کار، هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیل فرزندان، کمک برای ساختن مسکن و دیگر نیازهای ضرور زندگی، مفید واقع شود.

در بررسی توزیع درآمد شخصی نظریه‌های متعددی شکل گرفته است (ابونوری، ۱۳۷۶). این نظریه‌ها را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد:

ا. نظریه‌های افرادی که با این باور که فرد و اجتماع با آزادی در انتخاب، سرنوشت خود را می‌سازند و جامعه وضعیت نسبی درآمد اعضا را بنا می‌نهد. نظریه‌های پژوهش‌گرانی مانند کوزنتس (Kuznets, 1995)، توبین (Tobin, 1970) و تین برگن (Tinbergen, 1975) در این گروه جای دارند.

ب. گروه دوم بر این باورند که سرنوشت هر فرد در اجتماع از پیش تعیین شده و نابرابری‌های فردی و اجتماعی از پیش رقم خورده است. در میان طرفداران نظریه جبری سه گروه متمایز دیده می‌شوند. دسته نخست کسانی هستند که علت نابرابری‌ها را در تفاوت توانایی‌های ناشی از مسایل ژنتیکی می‌دانند مانند کارتر (Curter, 1976). دسته دوم کسانی که نابرابری‌ها را پدیده اتفاقی و تصادفی می‌دانند و دسته سوم، افرادی هستند که بخش عمده‌ای از نابرابری درآمد را معلول اثر سن بر توانایی کسب درآمد دانسته و نابرابری در هر مقطع زمانی را اجتناب‌ناپذیر می‌پندارند.

برای برآورد شاخص نابرابری می‌توان از ضریب جینی استفاده کرد، ضریب جینی از جمله شاخص‌های نابرابری متناظر با منحنی لورنز است. این شاخص نخستین بار به وسیله جینی آماردان و جمعیت‌شناس ایتالیایی، در سال ۱۹۱۲ مطرح شده است و تاکنون متداول‌ترین شاخص مورد استفاده در بررسی توزیع درآمد بوده است. ابونوری و اسنوندی (۱۳۸۲) ویژگی‌های اساسی شاخص‌های نابرابری را بررسی کرده‌اند، ضریب جینی به صورت ذیل قابل برآورد است:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^n (X_i - X_{i-1})(Y_i - Y_{i-1})$$

که در آن X_i و Y_i به ترتیب، فراوانی نسبی تجمعی خانوار و فراوانی نسبی تجمعی هزینه (درآمد) خانوار است. برای برآورد اثر ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌های مالی

(قرض الحسنه) بر روی شاخص نابرابری (ضریب جینی) به تفکیک استان‌ها می‌توان از گزارش‌های بررسی بودجه خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران در دوره ۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ استفاده کرد. به‌طور معمول در کشورهای در حال توسعه مناطق شهری و روستایی از نظر عامل‌هایی مانند هزینه زندگی، بُعد خانوار، انسان‌دوستی، ایشار و صرفه‌جویی ناشی از مقیاس با هم متفاوت هستند. بر این اساس نمونه‌گیری به تفکیک مناطق شهری و روستایی انجام می‌شود. چون هدف نهایی در این تحقیق بررسی اثر ارزش افزوده دیگر واسطه‌گیری‌های مالی بر روی توزیع درآمد در ایران است، مشاهدات توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی هر یک از استان‌ها با هم ترکیب شده است. برای این کار از مطالعه ابونوری و خوشکار استفاده شده است (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸۶: ۷۸). اطلاعات مربوط به ضریب جینی استان‌ها برای سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ در جدول (۱) خلاصه شده است. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب جینی در دامنه ۰/۳۵ تا ۰/۵۵ قرار داشته است. یعنی، توزیع درآمد در ایران همیشه با نابرابری فراوان همراه بوده است.

به‌علت محدودیت در وجود داده‌های ارزش افزوده قرض الحسنه درباره زمانی این تحقیق، از داده‌های پانل میان استانی در دوره زمانی ۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ استفاده شده است. با استفاده از داده‌های پانل می‌توان اثر زمان یا مکان را بر پارامترهای ثابت (عرض از مبدا) یا پارامترهای شیب رگرسیون برآورد کرد. برآورد پارامترها با داده‌های پانل را می‌توان به‌صورت مدل‌های ذیل انجام داد:

$$Y_{it} = \alpha_1 + \sum_{k=2}^k \beta_k X_{kit} + v_{it}$$

که در آن، تمام ضرایب ثابت بوده و فرض بر این است که جمله اختلال قادر است تمام تفاوت‌های میان واحدهای مقطعی و زمان را توضیح دهد. این مدل به مدل ترکیبی (Pooling) موسوم است.

$$Y_{it} = \alpha_i + \sum_{k=2}^k \beta_k X_{kit} + v_{it}$$

در این مدل ضرایب مربوط به متغیرها (شیب‌ها) ثابت، و فقط عرض از مبدا برای واحدهای گوناگون مقطعی متفاوت است.

جدول ۱. شاخص نابرابری در استان‌های ایران

شماره	نام استان	جینی ۷۹	جینی ۱۳۸۰	جینی ۱۳۸۱
۱	آذربایجان شرقی	۰/۴	۰/۳۹	۰/۴۸
۲	آذربایجان غربی	۰/۳۹	۰/۳۳	۰/۴۳
۳	اردبیل	۰/۴۶	۰/۳۵	۰/۴۳
۴	اصفهان	۰/۴۵	۰/۴۹	۰/۴
۵	ایلام	۰/۳۸	۰/۴۱	۰/۴۴
۶	بوشهر	۰/۳۴	۰/۳۷	۰/۴۱
۷	تهران	۰/۴	۰/۴	۰/۳۹
۸	چهارمحال و بختیاری	۰/۳۶	۰/۳۵	۰/۲۹
۹	خراسان	۰/۴۳	۰/۳۸	۰/۵
۱۰	خوزستان	۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۳
۱۱	زنجان	۰/۴۷	۰/۴۸	۰/۴۹
۱۲	سمنان	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۳۹
۱۳	سیستان و بلوچستان	۰/۳۱	۰/۵۱	۰/۴۸
۱۴	فارس	۰/۴۲	۰/۴	۰/۳۸
۱۵	قزوین	۰/۴۲	۰/۳۸	۰/۳۳
۱۶	قم	۰/۲۹	۰/۳۷	۰/۳۸
۱۷	کردستان	۰/۲۵	۰/۳۲	۰/۴
۱۸	کرمان	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۴۷
۱۹	کرمانشاه	۰/۳۲	۰/۴۵	۰/۴۵
۲۰	کهگیلویه و بویرحمده	۰/۴۸	۰/۳۳	۰/۴۳
۲۱	گلستان	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۴۸
۲۲	گیلان	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۱
۲۳	لرستان	۰/۳۸	۰/۴۱	۰/۴
۲۴	مازندران	۰/۴۱	۰/۴	۰/۴
۲۵	مرکزی	۰/۴۲	۰/۴۷	۰/۴۳
۲۶	هرمزگان	۰/۲۵	۰/۳۲	۰/۳۶
۲۷	همدان	۰/۳۹	۰/۴۲	۰/۴۳
۲۸	یزد	۰/۳۵	۰/۳۹	۰/۴۸

منبع: (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸۶: ۷۸).

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=2}^k \beta_k X_{kit} + v_{it}$$

در این مدل ضرایب مربوط به متغیرها (شیبها) ثابت است و فقط عرض از مبدا در زمانها و واحدهای گوناگون مقطعی تغییر می کند.

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=2}^k \beta_{ki} X_{kit} + v_{it}$$

در این الگو ضرایب متغیرهای مستقل (شیبها) و هم عرض از مبدا برای واحدهای مقطعی متفاوت است.

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=2}^k \beta_{kit} X_{kit} + v_{it}$$

تمام ضرایب در این مدل هم نسبت به زمان و هم نسبت به واحدهای مقطعی متفاوت است.

طبق جاج، گریفیس، هیل، لولکپوچ و لی (Judge, Griffiths, Hill, Lulkepoh and Lee, 1983) در حالت های دو، سه و چهار که حالت های داده های پانلی هستند، بسته به اینکه کدام یک از ضرایب ثابت (غیرتصادفی) یا تصادفی باشند، مدل های اثرهای ثابت (Fixed Effect) یا اثرهای تصادفی (Random Effect) نامیده می شوند.

برای انتخاب بین مدل پولینگ و اثرهای ثابت از آزمون F لیمر استفاده شده است. ساختار این آزمون فرضیه عبارتند از:

H_0 : پارامترهای عرض از مبدا در تمام مکانها (مقاطع) برابر هستند

H_1 : پارامترهای عرض از مبدا در تمام مکانها (مقاطع) برابر نیستند

آماره آزمون با استفاده از مجموع مربعات پسماند مقید (RRSS) حاصل از تخمین مدل ترکیبی OLS و مجموع مربعات پسماند غیرمقید (URSS) حاصل از برآورد رگرسیون درون گروهی به صورت ذیل معرفی شده است:

$$F = \frac{(RRSS - URSS) / N - 1}{URSS / (NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K}$$

در آزمون F فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبداها (روش Pooling یا ترکیبی) در

برابر فرضیه مخالف H_1 ، ناهمسانی عرض از مبداها، (روش داده های پانلی) قرار می گیرد. بنابراین، در صورت رد فرضیه H_0 روش داده های پانلی پذیرفته می شود.

برآورد مدلها و آزمون فرضیهها

هدف پژوهش حاضر ارزیابی اثرهای فعالیت های صندوق های قرض الحسنه بر نابرابری توزیع درآمد به تفکیک استانهاست. برای این منظور با استفاده از داده های ترکیبی بین استانی اثرهای ارزش افزوده

دیگر واسطه‌گری‌های مالی (قرض الحسنه) بر شاخص نابرابری اقتصادی استان‌ها و کاربرد الگوی ترکیبی برآورد شده است. اطلاعات مربوط به سهم ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌های مالی (قرض الحسنه) و تولید ناخالص داخلی هر استان برای سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۱ در جدول ۲ خلاصه شده است.

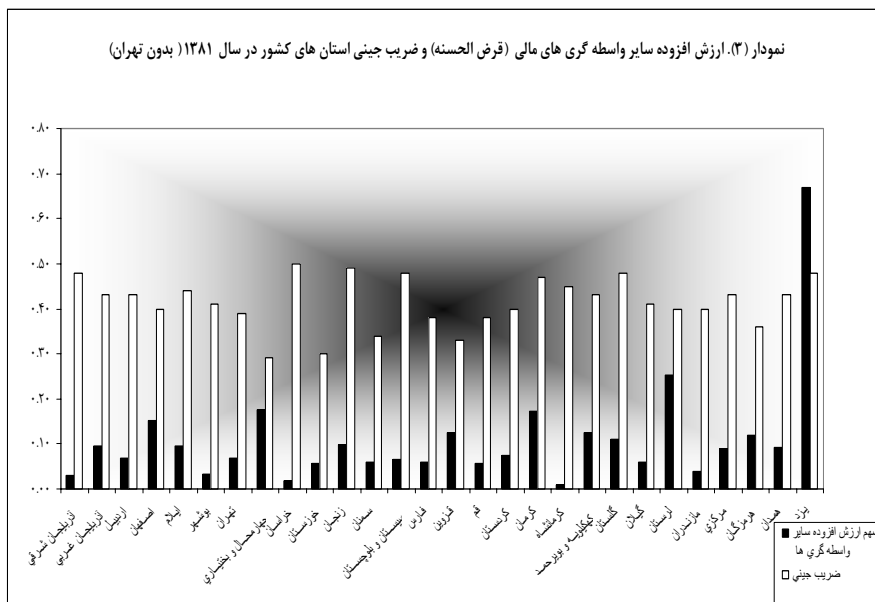
جدول ۲. محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده واسطه‌گری‌های مالی استان‌ها (ارقام به میلیارد ریال)

نام استان	۱۳۷۹		۱۳۸۰		۱۳۸۱	
	تولید ناخالص داخلی	ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌ها	تولید ناخالص داخلی	ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌ها	تولید ناخالص داخلی	ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌ها
آذربایجان شرقی	۲۶۳۶۳/۳	۷۹۰/۸۹۹	۳۰۲۸۷/۲	۹۰۸/۶۱۶	۳۹۳۷۷/۸	1181/334
آذربایجان غربی	۱۴۴۹۵/۲	۸۶۹/۷۱۲	۱۶۲۴/۳	۱۱۳/۷۰۱	۲۰۴۵۲/۵	2045/25
اردبیل	۶۸۷۸/۸	۳۴۳/۹۴	۷۸۸۴	۴۳۷/۰۴	۱۰۲۴۵/۷	512/285
اصفهان	۴۰۱۹۴/۹	۵۶۲۷/۲۸۶	۴۵۴۰۹	۶۳۵۷/۲۶	۵۷۶۵۲/۶	8647/89
ایلام	۳۹۶۶/۷	۳۹۶/۶۷	۵۶۶۷/۱	۴۵۳/۳۶۸	۷۸۴۹	566/71
بوشهر	۷۰۷۹/۲	۲۸۳/۶۸	۹۵۰/۱۲	۳۸۰/۰۴۸	۱۵۰۳۸/۵	451/155
تهران	۱۵۵۷۹۳	۳۴۱۱۸۶/۶۷	۱۹۳۳۷۴/۳	۴۵۴۴۲۹/۶	۲۵۵۳۴۹/۷	600071/8
چهارمحال و بختیاری	۴۰۶۶	۲۰۳/۳	۴۹۸۵/۲	۲۴۹/۲۶	۶۱۸۳/۵	432/845
خراسان	۴۰۲۸۳/۱	۵۶۳۹/۶۳۴	۴۷۲۵۲/۲	۷۶۵۰/۳۵۲	۵۹۹۲۸/۲	359/692
خوزستان	۹۰۱۳۳	۹۰۱/۳۳	۹۶۴۵۰/۸	۱۹۲۹/۰۱۶	۱۴۰۸۳۹/۸	496/752
زنجان	۵۹۰۰	۱۷۷	۶۳۱۴/۸	۳۱۵/۷۴	۸۲۷۹/۲	496/752
سمنان	۴۸۱۸/۹	۳۸۵/۵۱۲	۵۷۹۹/۹	۴۶۳/۹۹۲	۷۱۸۷/۴	718/74
سیستان و بلوچستان	۷۲۹۴/۷	۲۱۸/۸۴۱	۸۷۳۹/۷	۳۴۹/۵۸۸	۱۱۰۷۲/۵	664/35
فارس	۲۷۳۷۰/۷	۱۳۸۶/۵۳۵	۳۲۲۲۳/۹	۱۹۳۳/۴۳۴	۴۳۲۲۷/۱	30252/897
قزوین	۱۰۵۵۷/۸	۳۱۶/۷۳۴	۱۲۳۲۹/۴	۴۹۳/۵۷۶	۱۴۲۱۶/۱	855/666
قم	۶۷۶۵/۵	۶۰۸/۸۹۵	۸۱۳۶/۴	۸۱۳/۶۴	۱۰۰۸۲/۷	1209/924
کردستان	۴۶۳۱/۶	۱۸۵/۲۶۴	۷۲۰۳/۱	۳۶۰/۱۵۵	۹۸۵۲/۸	591/168
کرمان	۲۱۰۱۰/۶	۸۴۰/۴۲۴	۲۰۳۰۰	۱۰۱۵	۲۵۳۰۹/۹	995/127
کرمانشاه	۸۹۹۹/۸	۷۱۹/۹۸۴	۱۰۷۲۱/۲	۱۱۷۹/۳۳۲	۱۴۳۵۵/۹	4302/683
کهگیلویه و بویرحمه	۳۲۵۹۴/۹	.	۳۰۷۳۱/۴	۳۰۷/۳۱۴	۳۶۸۳۵	143/559
گلستان	۹۳۷۷/۳	۸۴۳/۹۵۷	۱۰۴۶۵	۱۱۵۱/۱۵	۱۴۲۰۶/۹	4788/55
گیلان	۱۶۰۷۹/۶	۱۲۸۶/۳۶۸	۱۸۵۴۸	۱۸۵۴/۸	۲۳۷۷۷/۵	2615/525
لرستان	۸۸۸۵/۹	۲۶۶/۵۷۷	۱۰۴۶۵/۶	۴۱۸/۶۲۴	۱۲۵۵۰/۶	753/036
مازندران	۲۳۳۳۵/۵	۵۱۳۳/۸۱	۲۷۵۴۱/۳	۶۰۵۹/۰۸۶	۳۵۳۲۲/۹	8830/725
مرکزی	۱۴۷۲۴/۶	۴۴۱/۷۳۸	۱۹۱۸۱/۷	۵۷۵/۴۵۱	۲۳۳۷۰/۱	934/804
هرمزگان	۱۱۷۱۲/۴	۷۰۲/۷۴۴	۱۴۶۲۹/۵	۱۰۲۴/۰۶۵	۱۷۶۴۲/۱	1587/789
همدان	۹۳۶۳/۵	۱۱۲۳/۶۲	۱۱۵۴۳/۳	۱۳۸۵/۱۹۶	۱۵۷۹۹/۷	1895/964
یزد	۷۵۴۴/۵	۶۷۹	۹۵۱۱	۷۶۰/۸۸	۱۲۱۴۰/۲	1092/618
کل کشور	۶۴۵۲۵۵/۷	۳۷۴۲۴۸/۳	۷۴۵۵۳۵/۳	۴۹۲۰۵۳/۳	۹۸۶۲۶۸/۶	65350416

۱۵۴

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / اسماعیل ابونوری و افسانه قاسمی تازه‌آبادی

منبع: با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۱ و ۲ رسم شده است.



۱۵۶

منبع: با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۱ و ۲ رسم شده است.

برای برآورد مدل مطابق با روش دادگان پانل، دو نوع مدل پیشنهاد شده است: مدل نخست شامل استان تهران است اما در مدل دوم استان تهران حذف شده است. علت حذف این استان ارزش افزوده بالای واسطه‌گری‌های مالی (قرض الحسنه) در آن بوده است که با دیگر استان‌ها تفاوت چشمگیری دارد.

ابتدا برای مشخص کردن نوع تخمین مدل از آزمون لیمر استفاده شده است. آماره F لیمر برابر $0/037$ به دست آمد. در نتیجه، فرضیه H_0 یعنی آزمون فرض یکسان بودن عرض از مبداها رد نشده است. بنابراین، از روش ترکیبی برای برآورد مدل استفاده شده است. مقدار مربع R برابر $0/51$ و آماره دوربین-واتسون $2/1$ برآورد شده است.

شاخص نابرابری در استان‌های اردبیل، خراسان، فارس، قزوین و کرمانشاه منفی اما در استان‌های همدان و کرمانشاه مثبت و همه آنها از نظر آماری معنادار نبوده‌اند. افزایش عملکرد قرض الحسنه طی سال‌های $1379 - 1381$ در استان‌های زنجان، گلستان، گیلان و مرکزی، باعث افزایش ضریب جینی شده است. در مجموع، نتیجه‌های مدل نشان می‌دهد

که عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه در بیشتر استان‌های کشور، با فرض ثابت بودن دیگر عامل‌ها، باعث کاهش نابرابری درآمد در استان‌ها شده است. از آن جمله، عملکرد فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه به کاهش نابرابری درآمد در استان تهران انجامیده است.

در مدل دوم برای بررسی اثرهای ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر روی نابرابری توزیع درآمد، استان تهران به علت تفاوت فراوان ارزش افزوده آن با دیگر استان‌ها حذف شده است. نتیجه‌های حاصل از برآورد مدل اثرهای ثابت که براساس F لیمر انتخاب شده است، حاکی از آن است که به استثنای افزایش معنادار ضریب جینی در استان‌های گیلان و مرکزی، در دیگر استان‌ها عملکرد بخش صندوق‌های قرض‌الحسنه باعث کاهش نابرابری توزیع درآمد شده است. ضریب‌های به دست آمده در استان‌های اردبیل، خراسان، فارس، قزوین، کردستان و کرمانشاه منفی اما در استان‌های همدان، کرمان و سیستان و بلوچستان مثبت و در همه این موارد بی‌معنا بوده‌اند. عامل‌های فراوانی در افزایش نابرابری در استان‌های اشاره شده موثر بوده است، که نیازمند تحقیق‌های مستقل است. به هر حال، کاهش مداوم ارزش سپرده‌های بانکی در اثر تورم نسبی بالا در برخی از استان‌ها مانند گیلان و مرکزی و تمایل مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جهت کسب سود (یا حفظ ارزش سپرده)، ممکن است سبب ناپسامانی‌هایی مانند انحراف از هدف‌های قرض‌الحسنه، پرداختن به امور اعتباری و پولی، سرمایه‌گذاری و تخلف‌های مالی شده باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نهاد قرض‌الحسنه رفتاری اقتصادی برگرفته از حاکمیت ارزش‌های اسلامی با حس نوع‌دوستی است که می‌تواند باعث انتقال اختیاری هزینه فرصت استفاده از وجوه از طبقه‌های پردرآمد به طبقه‌های کم‌درآمد و در نتیجه باعث کاهش نابرابری (هرچند ناچیز) در توزیع درآمدها در جامعه شود. فارغ از رویکردهای فلسفی و سیاسی، توزیع درآمد و نابرابری یک مسئله اقتصادی است. وضعیت اقتصادی و عملکرد اقتصاد کلان نقش قابل توجه‌ای در ساختار توزیع درآمد یک جامعه در

جایگاه یکی از جنبه‌های نمایان عدالت دارد. در این پژوهش اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران به تفکیک ۲۷ استان برآورد شده است. بر پایه نتیجه‌های به دست آمده از شواهد موجود، قرض‌الحسنه، با فرض ثابت ماندن دیگر عامل‌ها، باعث کاهش نابرابری اقتصادی در اکثر استان‌های کشور شده است. افزایش عملکرد قرض‌الحسنه در ۱۹ استان بر نابرابری اثر کاهشی داشته است که در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، قم، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، مازندران، هرمزگان، یزد و همچنین استان تهران از نظر آماری معنادار بوده است. در برابر، افزایش عملکرد قرض‌الحسنه در ۸ استان بر نابرابری اثر افزایشی داشته است که این اثر فقط در استان‌های اصفهان، زنجان، گلستان، گیلان و مرکزی معنادار بوده است. بررسی علل اثر افزایشی در استان‌های پیش‌گفته نیازمند تحقیق‌های مستقل است. قرض برخلاف مالیات سبب انتقال اختیارات درآمد افراد به دولت نمی‌شود. در قرض (خصوصی) وام‌دهنده به‌طور مستقیم قرض را به نیازمند می‌دهد و دولت هیچ‌گونه نقش واسطه‌ای ندارد. با توجه به اثرهای مفید صندوق‌های قرض‌الحسنه، هماهنگ‌سازی آنها در یک بانک مردمی جامع قرض‌الحسنه پیشنهاد می‌شود.

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. ابونوری، اسماعیل و اسناوندی، اسماعیل، ۱۳۸۴ش، «برآورد و ارزیابی سازگاری شاخص‌های نابرابری اقتصادی با استفاده از ریزداده‌ها در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران، ش ۷۱.
۲. ابونوری، اسماعیل، ۱۳۷۶ش، «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران، ش ۵۱.
۳. ابونوری، اسماعیل، خوشکار، آرش، ۱۳۸۶ش، «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد: مطالعه بین استانی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران، ش ۷۷.
۴. امامی، سیدحسین، ۱۳۵۵ش، *قانون مدنی*، تهران: دارکتب اسلامیه.
۵. جر، خلیل، ۱۳۷۶ش، *فرهنگ لاروس*، ترجمه سیدحمید طیبیان، تهران: امیرکبیر، هفتم.
۶. حبیبیان‌نقیبی، مجید، ۱۳۸۱ش، «قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، *نامه مفید*، قم: دانشگاه مفید، ش ۳۱.
۷. سعدی، ابوحبیب، ۱۴۰۸ق، *قاموس الفقهی*، دمشق: چاپ و نشر دارالفکر، دوم.
۸. سیاح، احمد، ۱۳۶۵ش، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، تهران: اسلام.
۹. شادپور، کامل، ۱۳۷۲ش، «مقدمه‌ای بر دیدگاه نیازهای اساسی بشر»، *مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۰. عرب‌مازار، عباس و کیقبادی، سعید، ۱۳۸۵ش، «جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکداری ایران»، *مجله اقتصاد اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۶.
۱۱. قریشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۵۳ش، *قاموس قرآن*، تهران: دارکتب الاسلامیه.
۱۲. کانت، راجانی، ۱۳۷۴ش، *الگوهای نظری در اقتصاد توسعه*، ترجمه غلام‌رضا آزاد ارمکی، تهران: نشر دیدار اول.
۱۳. کرویتس، هلموت، ۱۹۷۷م، *پول، بحران‌های اقتصادی اجتماعی* (ترجمه فشرده کتاب *معضل پول*)، ترجمه حمیدرضا شهمیرزادی، تهران: کانون اندیشه جوان.

۱۴. ماتور، پی ان، ۱۳۷۶ش، معمای توسعه نیافتگی، ترجمه علی اصغر بانویی و محمدقلی یوسفی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، اول.
۱۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳ش، حساب‌های منطقه‌ای استان‌های کشور، تهران.
۱۶. مصری، عبدالرئوف، ۱۹۴۸م، المحامی، معجم القرآن و هو قاموس مفردات القرآن و غریبه، دوم.
۱۷. معین، محمد، ۱۳۶۰ش، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چهارم.
۱۸. هادوی نیا، علی اصغر، ۱۳۷۶ش، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی اکبر کمیجانی، قم: دانشگاه مفید.
۱۹. _____، ۱۳۷۸ش، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۲۰. هانت، دایانا، ۱۳۷۶ش، نظریه‌های اقتصادی توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: سالن خدمات نشر دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، اول.

ب. انگلیسی

1. Abounoori, E and P. Macloughan, 2000, "Measuring in The Gini Coefficient: An Empirical Assessment of Non-Parametric and Parametric Methods", Liverpool Research Paper in Economics, Finance and Accounting, 22.
2. Albanesi, S, 2005, "Inflation and Inequality", Working papers, Duke University- Reaserch, CEPRDP, 347.
3. Bhattacharya, J, 2003, " Monetary Policy and The Distribution of Income", Working Paper IWO State University and Center, Tilburg.
4. Biewen, M, 2000, "Income Inequality in Germany During The 1980s and 1990s", Review of Income and Welth, 64.
5. Cutler, D. M and L. Katz, 1991, "Macroeconomic Performance and The Disadvantaged", Brookings Papers On Economic Activity, 20.

6. Ferreira, F. H. G, P.G. Leite and J. A. Litchfield, 2006, " The Rise and Fall of Brazilian Inequality: 1981-2004", World Bank Policy Research Working Paper, 3867.
7. Iceland, J,L. Ken Worthy and M. Scopilliti, 2005, "Macro economic Performance and Poverty in The 1980 s and 1990 s: A State-Level Analysis", IRP Discussion Papers and Reprints, Also See: www.u.arizona.edu
8. Judge. G, W.Griffiths, R. Hill, H. Lutkepoh and T. Lee, 1983, "Introduction to Theory and Practice of Econometrics", Second Edition, New York, Jhon Wiley and Sons, Inc.
9. Kuznets, S, 1995, "Economic Growth and Income Inequality", American Economic Review, 45.

پیوست: نتایج کامپیوتری

Method: GLS (Cross Section Weights)				
Date: 09/23/07 Time: 17:51				
Sample: 1379 1381				
Included observations: 3				
Total panel (balanced) observations 81				
White Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors & Covariance				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.409785	0.000857	478.3700	0.0000
AZARSH--VAFSAZARSH	-1.72E-05	3.77E-06	-4.545333	0.0000
AZARGH--VAFSAZARGH	-3.36E-05	1.92E-05	-1.751738	0.0856
ARDEBIL--	-1.65E-06	5.87E-06	-0.280374	0.7803
VAFSARDEBIL				
ESFAHAN--	1.02E-05	7.84E-07	13.01002	0.0000
VAFSESAHAN				
ELAM--VAFSELAM	-5.70E-06	1.81E-07	-31.56572	0.0000
BOSHEHR--	-0.000155	2.34E-05	-6.645264	0.0000
VAFSBOSHEHR				
CHARMAHAL--	-0.000247	1.20E-05	-20.55116	0.0000
VAFSCHARMAHAL				
KHORASAN--	-1.14E-06	3.68E-06	-0.310498	0.7574
VAFSKHORASAN				
KHOZESTAN--	-0.000323	6.20E-05	-5.204790	0.0000
VAFSKHOZESTAN				
ZANJAN--VAFSZANJAN	0.000253	3.94E-05	6.429997	0.0000
SEMNAN--	-0.000290	5.83E-05	-4.965085	0.0000
VAFSSEMNAN				
SISTAN--VAFSSISTAN	8.02E-05	0.000509	0.157678	0.8753
FARS--VAFSFARS	-1.03E-06	2.11E-06	-0.490310	0.6259
GHAZVIN--	-3.53E-05	3.49E-05	-1.011375	0.3164
VAFSGHAZVIN				
GHOM--VAFSGHOM	-0.000102	5.87E-05	-1.744435	0.0869
KORDESTAN--	-0.000378	0.000228	-1.658029	0.1032
VAFSKORDESTAN				
KERMAN--	1.72E-05	5.65E-05	0.304926	0.7616
VAFSKERMAN				
KERMANSHAH--	-8.49E-06	7.28E-05	-0.116576	0.9076
VAFSKERMANSHAH				
KOHKILOYEH--	-0.000259	3.06E-06	-84.44557	0.0000
VAFSKOHKILOYEH				
GOLESTAN--	0.000120	6.19E-06	19.36908	0.0000
VAFSGOLESTAN				
GILAN--VAFSGILAN	2.84E-05	5.39E-07	52.77060	0.0000

LORESTAN-- VAFSLORESTAN	-3.22E-05	1.42E-05	-2.258814	0.0280
MAZANDARAN-- VAFSMAZANDARAN	-9.36E-07	1.88E-07	-4.970646	0.0000
MARKAZY-- VAFSMARKAZY	7.48E-05	1.44E-05	5.192908	0.0000
HORMOZGAN-- VAFSHORMOZGAN	-0.000133	6.37E-05	-2.086889	0.0417
HAMEDAN-- VAFSHAMEDAN	1.93E-06	5.83E-06	0.331408	0.7416
YAZD--VAFSYAZD	-5.28E-05	2.58E-05	-2.042031	0.0461
Weighted Statistics				
R-squared	0.999011	Mean dependent var	0.898975	
Adjusted R-squared	0.998508	S.D. dependent var	1.462499	
S.E. of regression	0.056496	Sum squared resid	0.169167	
F-statistic	1983.568	Durbin-Watson stat	2.351999	
Prob(F-statistic)	0.000000			
Unweighted Statistics				
R-squared	0.508819	Mean dependent var	0.399753	
Adjusted R-squared	0.258594	S.D. dependent var	0.065707	
S.E. of regression	0.056577	Sum squared resid	0.169652	
Durbin-Watson stat	2.282181			

Dependent Variable: GINI?				
Method: GLS (Cross Section Weights)				
Date: 09/23/07 Time: 17:33				
Sample: 1379 1381				
Included observations: 3				
Total panel (balanced) observations 84				
White Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors & Covariance				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.408968	0.000852	479.7375	0.0000
AZARSH--VAFSAZARSH	-1.62E-05	3.92E-06	-4.131291	0.0001
AZARGH--VAFSAZARGH	-3.26E-05	1.92E-05	-1.693359	0.0960
ARDEBIL--VAFSARDEBIL	-1.54E-06	6.00E-06	-0.256121	0.7988
ESFAHAN--VAFSESAHAN	1.03E-05	7.84E-07	13.18259	0.0000
ELAM--VAFSELAM	-5.54E-06	1.83E-07	-30.29977	0.0000
BOSHEHR-- VAFSBOSHEHR	-0.000153	2.35E-05	-6.494417	0.0000
TEHRAN--VAFSTEHRAN	-2.24E-08	2.21E-09	-10.16262	0.0000
CHARMAHAL-- VAFSCHARMAHAL	-0.000243	1.19E-05	-20.40940	0.0000
KHORASAN--	-1.02E-06	3.79E-06	-0.269529	0.7885

VAFSKHORASAN				
KHOZESTAN--				
VAFSKHOZESTAN	-0.000320	6.38E-05	-5.008210	0.0000
ZANJAN--VAFSZANJAN	0.000256	4.11E-05	6.241681	0.0000
SEM NAN--VAFSSEM NAN	-0.000288	5.91E-05	-4.869715	0.0000
SISTAN--VAFSSISTAN	8.30E-05	0.000517	0.160614	0.8730
FARS--VAFSFARS	-5.49E-07	2.14E-06	-0.256681	0.7984
GHAZVIN--VAFSGHAZVIN	-3.33E-05	3.56E-05	-0.936654	0.3530
GHOM--VAFSGHOM	-0.000101	5.92E-05	-1.708691	0.0931
KORDESTAN--				
VAFSKORDESTAN	-0.000375	0.000230	-1.630072	0.1088
KERMAN--VAFSKERMAN	1.81E-05	5.78E-05	0.313173	0.7553
KERMANS SHAH--				
VAFSKERMANS SHAH	-7.67E-06	7.39E-05	-0.103799	0.9177
KOHKILOYEH--				
VAFSKOHKILOYEH	-0.000256	3.09E-06	-82.88753	0.0000
GOLESTAN--				
VAFSGOLESTAN	0.000121	6.44E-06	18.72743	0.0000
GILAN--VAFSGILAN	2.89E-05	5.37E-07	53.88100	0.0000
LORESTAN--				
VAFSLORESTAN	-2.99E-05	1.41E-05	-2.116730	0.0388
MAZANDARAN--				
VAFSMAZANDARAN	-7.90E-07	1.87E-07	-4.222725	0.0001
MARKAZY--				
VAFSMARKAZY	7.64E-05	1.47E-05	5.206671	0.0000
HORMOZGAN--				
VAFSHORMOZGAN	-0.000132	6.42E-05	-2.054135	0.0447
HAMEDAN--				
VAFSHAMEDAN	2.58E-06	5.95E-06	0.433668	0.6662
YAZD--VAFSYAZD	-5.16E-05	2.64E-05	-1.954505	0.0557
Weighted Statistics				
R-squared	0.998998	Mean dependent var	0.912214	
Adjusted R-squared	0.998488	S.D. dependent var	1.427213	
S.E. of regression	0.055503	Sum squared resid	0.169431	
F-statistic	1958.087	Durbin-Watson stat	2.340350	
Prob(F-statistic)	0.000000			
Unweighted Statistics				
R-squared	0.507713	Mean dependent var	0.399643	
Adjusted R-squared	0.257095	S.D. dependent var	0.064518	
S.E. of regression	0.055609	Sum squared resid	0.170080	
Durbin-Watson stat	2.277115			